



..... چرا در اینجایها که میرسد سکوت می کنید چرا یکبارنشد از اریوپرزین وخواهریش یوتاب تعریف و تمجید شود ؟ چرا سمبلهای تو اینها نیست . ایرانی هستید ؟ چرا از بایک و مزنگ ومانی نمیگویید؟ چرا یادای از میلیونها ایرانی که درتهاجم بیگانه و بشوریشها و مبارزات کشته شدند نمیکنید؟ راستی شد یک بار از یعقوب لیث که ایران را از دست خلیفه عباسی نجات داد..... ما که از بس در این 35 سال درون سازمان مجاهدین در فضای آزادی!! نفس کشیدیم !! بارها بخدا گفتیم خدا یا ملت ایران را به این آزادی که بما دادند هرگز نریسان . ما که انقدر از موهبت عدالت و برابری بهره بردیم که زیرش له شدیم !! راستی در ایران و تاریخش کسی بنام فردوسی زندگی میکرد ؟....

اسطوره ها و سمبلهای اقای رجوی

در مقدمه یاد اوری کنم که تمامی جملات خود اقای رجوی را تا جایی که یادم هست می نویسم و انهایی که یادم نیست را هیچ اشاره نکرده و نخواهم کرد

یک : سعد ابن ابی وقاص

او سرداری شجاع . رشید . دلاور عرب و فاتح ایران بود . چنان با اب و تباب از این جنایتکار وادم خوار تعریف میکرد که نپرس . بنده که تاریخ خونده و اشراف کامل داشتیم این حرفها بر ایم ارزشی نداشت. یک روز مسئولی بعد نشست اقای رجوی مرا صدا زد یکی از همین خانمهای بالای شورای رهبری بود. هر وقت میخواستند باینده نشست تکی بگذارند یکی از اینها صدام میزد ، به کسی دیگری اجازه نمی دادند. یا ما که زیمم یکی از مردهای بالما که بهش خط میدادند چه صحبت و درجه حدی وارد بشود. گفت در نشست رهبری همش بیرون بودی (درست میگفت جاسوسان رفتار بنده را ثانیه به ثانیه گزارش میدادند که من در هر ثانیه در کجا و چکار میکنم) میخواستیم دو جمله بگوییم بینم از نشست رهبری چی گرفتید؟ منم گفتم این طور که برادر از ابی وقاص و خالد ابن ولید و مختار تعریف میکند . انگار هر کدام پیغمبری هستند . نمی گوید هر کدام چه بلایی سرملت ایران آوردند. اینطوری ذهن مجاهدین نسبت به تاریخ و فرهنگ خود بشون خراب می شود. آنها که مرا خوب میشناختند با خنده گفت هر چه قدر تناقض داری برای خود برادر بنویس. با این حرف میخواست دو نشان بزند اول بحث را تغییر بدهد . دوم من که سالمیان بود اقای رجوی

راتحریم و دیگربرایش گزارش نمی نوشتم، که درجای خودش که برسیم خواهیم گفت. و با این بهانه نوشتن تناقضات و اداریه گزارش نویسی کند. منم گفتم دارم می گویم شما که همیشه درکنارتون منشی داری و درحال نوشتن حرفهای بنده است، عین حرفها را کما فی سابق منتقل کنید. گفت تو باز رفتی روی رگ ایرانی بازی و ضدیت با عربها؟ گفتم هرچه میخواهید اسمش را بگذارید ولی تاریخ را نه کسی میتواند تغییر بدهد و نه تحریفش کند. (به اندازه کافی گویا هست که به کی وچی گفتم و نیاز به تفسیر نیست) که منم بحث را ول کرده و وارد بحث های دیگر شدم

دوم : خالد ابن ولید

پهلوان عرب کسی که همه از شمشیرش میترسیدند. یکی از کسانی که اسلام را با زور شمشیر به ایران آورد.

سوم : مختار

خونخواه امام حسین و کسی که بر علیه یزید شمشیر کشید و خیلی از قتل حسین را مجازات کرد؟

اقلای رجوی اشاره نمی کرد که عربها با همین یل عرب خودشان چقدر ملت ایران را که در حق مشروع و قانونی و بحق خود که دفاع از وطن در برابر متجاوزین بود را کشتار کرد. چقدر به زنها تجاوز و آنها را به اسارت و کنیزی و بردگی بردند. چه مالیاتهای سنگینی بر ملت ایران تحمیل و در فقر و فلاکت نابودشون کردند. نمی گوید که همین مسلمین انقلابی تا چند ماه با سوزاندن کتاب کتابخانه های ایران، حملهها را برای شستشوی تن کثیف و پشیمانی لشکریان عرب راه اندازی میکردند را نمی گوید. همین حکومت دینی حاکم بر ایران، که رجوی مدعی بود فکریش رو در روی اخوند هاست نتیجه عمل همان سمبلهای ایشان است. دلیلش کارهای سرداران و پیلان اسلام است. شاه اسماعیل صفوی و عباس و فرزندانش که ادم را زنده زنده میخوردند نتیجه دسته گل همان سرداران عرب است مگر همین ها نبودند با تجاوز به ایران تمدن آن زمان را از بین برده و مسیر ترقی و پیش رفت طبیعی ایران را هزار سال به عقب بردند میشود به ما ها که مخالف دیدگاه شما بودیم که لقب: کله گچی، منگ، مخ پوسیده داده بودی توضیح بدهید، که فرق دیدگاه شما در محتوا با اخوندها چیست؟ ما که از هر زاویه نگاه می کنیم یکی می بینیم. نمیگوید خالد جرثومه فساد و کسی بریا وضو گرفتن در نبود آب از چه استفاده می کرد. یا عمل کرد های آن سمبل های شما که در این نوشته نمی گنجد. چرا در اینجایها که میرسد سکوت می کنید چرا یکبار نشد از ریویزیون و خواهرش یوتاب تعریف و تمجید شود؟ چرا سمبلهای تو اینها نیست ایرانی هستید؟ چرا از بایک و مزیک و مانی نمیگویید؟ چرا یادی از میلیونها ایرانی که در تهاجم بیگانه و شورشها و مبارزات کشته شدند نمیکنید؟ راستی شد یک بار از یعقوب لیث که ایران را از دست خلیفه عباسی نجات داد. بله با افتخار گفتم و دهها بار با خطر ضدیت با عربها مرا به صلابه کشیدی دوباره میگویم بله من ضد عرب های جنایتکار و ضد بشر هستم. و از حرف های کوتاه نیامدیم و نمیایم. با دفاع از اینها مگه میشه ملتی را آزاد ورها کرد. عدالت و برابری در جامعه برقرار کرد. ما که از پس در این 35 سال درون سازمان مجاهدین در فضای آزادی!! نفس کشیدیم!! بارها بخدا گفتم خدا یا ملت ایران را به این آزادی که بما دادند هرگز

نرسان . ما که انقدر از موهبت عدالت و برابری بهره بردیم که زیرش له شدیم !! راستی در ایران و تاریخش کسی بنام فردوسی زندگی میکرد ؟ ان یکی سادیسمی و مالیخولیایی بنام مختار که کشته مرده شکنجه و آتش زدن ادم ها در میان پوست خریود . دیگر جای یاد اوری نیست حال خوانندگان قضاوت کند با این سمبلها که مسعود رجوی داشت چطور میخواهد حقوق بشر را رعایت کند . و عدالت را برقرار کنند ما که هرچه گشتیم در درون خانه نیافتیم . حقوق بشر و قوانین حاکم بر دنیای آزاد را همیشه مرده دیدیم ! چونکه سمبلها دشمن این چیزها هستند . در فکرو اندیشه و فرهنگ رسوخ کرده و نمیگذارند در هر جا که باشند این حقوق باید بمیرد در غیر اینصورت خودش از صحنه تاریخ حذف خواهد شد . بحث بنده باز کردن زخم های کهنه تاریخی نیست . بلکه بحث این است که همگان دریابند که با این تفکرات نمیشود جامعه ای را نجات داد چون که در محتوا با ضد خودش که اخوند ها باشند یکی است گرچه در شکل و ظاهر با هم اختلاف دارند که خیلی جاها در شکل هم یکی هستند .

علی شیرزاد : اروپا